

# پیامبرانی که کمتر شناخته‌ایم

محمد محسن طبسی



## سرآغاز

از آغاز زندگی انسان تا کنون، تاریخ شاهد ظهور پیامبرانی از جانب خداوند بوده است که همواره مردم را راهنمایی کرده و آنان را از جهل و نادانی به درآورده و به خدای یکتا رهنمون ساخته‌اند.

بدون تردید شناخت این منادیان راستین توحید و مبلغان اخلاق و فضیلت، زمینه را برای رسیدن به اهداف آنان فراهم می‌سازد.

حضرت نوح، ابراهیم، عیسی، موسی و محمد ﷺ پیامبران بزرگی هستند که بیش از سایر فرستادگان الهی

## در قرآن معرفی شده‌اند.

نام بعضی دیگر از انبیاء نیز در قرآن آمده، ولی به صورت گذرا حالات آنان بررسی گردیده است. مثلاً از حضرت ادریس علیه السلام فقط دو مرتبه در سوره مریم، آیه ۵۶ و ۵۷، و سوره انبیاء، آیه ۸۵ یاد شده است.

از الیاس علیه السلام دو مرتبه در سوره‌های انعام، آیه ۸۵ و صافات، از آیه ۱۲۲ تا ۱۳۲ سخن رفته است.

همچنین از حضرت الیسع علیه السلام دو مرتبه در سوره انعام، آیه ۸۶ و سوره ص، آیه ۴۸ و از حضرت ذوالکفل علیه السلام در سوره انبیاء، آیه ۸۵ و ۸۶ و سوره

ص، آیه ۴۸ یاد شده است.

این مقاله می‌کوشد با استفاده از تاریخ و تفسیر و احادیث منقول از حضرات معصومین علیهم‌السلام، نگاهی هر چند گذرا به زندگانی پیامبرانی که کمتر شناخته‌ایم، داشته باشد.

### ادریس پیامبر علیه‌السلام

حضرت ادریس علیه‌السلام پس از آدم و شیث علیهم‌السلام به مقام پیامبری برگزیده شد. او همواره مردم را به پرستش خدای یگانه و دوری از گناه دعوت می‌کرد و پیروانش را به ظهور پیامبران بعدی به ویژه خاتم الانبیاء، محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بشارت می‌داد.

قرآن کریم درباره او می‌فرماید:

﴿وَإِذْ كُنَّا فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدْقًا نَبِيًّا وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا﴾<sup>۱</sup> «و در کتاب از ادریس یاد کن! او بسیار راستگو و پیامبر [بزرگی] بود و ما او را به مقام والایی رساندیم.»

﴿وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَٰلِ الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾<sup>۲</sup> «و اسماعیل و ادریس و ذوالکفل را [به یاد آور] که همه از صابران بودند و ما آنان را در رحمت

خود وارد ساختیم؛ چرا که آنها از صالحان بودند.»

### نام حضرت

گروهی نامش را اخنوع و لقبش را ادریس علیه‌السلام<sup>۳</sup> دانسته و دسته‌ای ادریس را معرّب اوزریس خوانده‌اند.<sup>۴</sup> و در تورات اخنوع<sup>۵</sup> یا خنوع<sup>۶</sup> ثبت شده است. علامه طباطبایی بر این باور است که نام ایشان به زبان یونانی طرمیس و در زبان عربی اخنوع گفته شده و خداوند در قرآن ایشان را ادریس نامیده است.<sup>۷</sup>

### ولادت و دوران کودکی ادریس علیه‌السلام

علامه طباطبایی می‌فرماید: «پیرامون مکان ولادت ادریس علیه‌السلام اختلاف شده است. گروهی بر این باورند که او در شهر منف مصر به دنیا

۱. مریم/۵۶ و ۵۷.

۲. انبیاء/۸۵ و ۸۶.

۳. جنات الخلود، محمد مؤمن مدرس، ص ۹.

۴. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، ج ۵، ص ۴۴۲؛ تفسیر القرآن، مراغی، ج ۶، ص ۶۴.

۵. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۱؛ مروج الذهب، مسعودی، ج ۱، ص ۳۵.

۶. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۱، ص ۶۶؛ الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، ج ۱، ص ۴۰.

۷. میزان، علامه طباطبایی، ج ۱۴، ص ۷۴.

آمده<sup>۱</sup> و در آنجا وی را هرمس الهرامسه خوانده‌اند و گروهی زادگاه وی را بابل می‌دانند.<sup>۲</sup>

علامه در ادامه می‌فرماید: «کسی درباره زندگی این شخص چیزی نگفته است. فقط گفته‌اند که او یکی از انبیاء یونان و مصر بوده است. یونانیها و مصریها ادریس را «اورین سوم» می‌خواندند.»<sup>۳</sup>

### ویژگیهای ادریس علیه السلام

علاوه بر ویژگیهای ادریس علیه السلام در قرآن (صدیق بودن، مقام و رفعت معنوی، استواری بر عمل صالح و بردباری در حوادث)، آن حضرت به کثرت درس و تعلیم و نشر احکام و سنن الهی مشهور بود و بدین سبب، وی را ادریس نامیدند.<sup>۴</sup> او نخستین کسی بود که به نوشتن پرداخت و در علم ستاره‌شناسی و حکمت نظر کرد. خداوند وی را از اسرار و چگونگی ترکیب فلک و نقطه اجتماع ستارگان آگاه ساخت و شمار سالها و دانش ریاضی و هیئت را به او آموخت.<sup>۵</sup> به این ویژگی، در یکی از دعاهای مختص ماه مبارک رجب نیز اشاره شده است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ ... وَمُعَلِّمِ إِدْرِيسَ عَدَدَ النُّجُومِ وَالْحِسَابِ وَالسِّنِّينِ وَالشُّهُورِ وَأَوْقَاتِ الْأَزْمَانِ...»<sup>۶</sup>؛ خداوندا! از تو درخواست می‌کنم به حق نامت ... و معلم ادریس [که به او درس] عدد ستارگان و حساب و سالها و ماهها و وقت و زمانها [آموخت]...»

هنگام بعثت ادریس علیه السلام مردم دنیا به هفتاد و دو زبان سخن می‌گفتند و خداوند همه آن لغات را به وی تعلیم داد.<sup>۷</sup> او نخستین کسی است که حرفه و هنر دوزندگی داشت و لباس می‌دوخت. قبل از وی مردم پوست بر تن می‌کردند. ادریس علیه السلام خیاط بود و در مسجد سهله به این کار اشتغال داشت.<sup>۸</sup> آن پیامبر بزرگوار نخستین

۱. منف: نام شهری است که فرعون در آن حکومت می‌کرد. ر.ک: معجم البلدان، یاقوت حموی، ج ۵، ص ۲۱۳.  
 ۲. المیزان، ج ۱۴، ص ۷۴.  
 ۳. همان.  
 ۴. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۱۱، ص ۲۷۷.  
 ۵. المیزان، ج ۱۴، ص ۷۶؛ جنات الخلود، ص ۹.  
 ۶. همان، ص ۲۰۵.  
 ۷. تاریخ الانبیاء، رسولی محلاتی، ج ۱، ص ۳۵.  
 ۸. بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۲۸۴ و ج ۱۳، ص ۴۵۶.

ادریس علیه السلام سومین پیامبر بود و پس از آدم و شیث علیهم السلام بدین مقام برگزیده شد.<sup>۱۰</sup> گروهی وی را دومین<sup>۱۱</sup> دسته‌ای نوح علیه السلام را دومین<sup>۱۲</sup> و برخی نیز ادریس علیه السلام را یکی از انبیاء بنی اسرائیل دانسته‌اند؛<sup>۱۳</sup> هر چند مورخین این سخن را بی‌پایه و اساس

فرستاده خداوند بود که با اسلحه به جنگ دشمنان (فرزندان قابیل) رفت<sup>۱</sup> و یکی از فرزندان قابیل را به اسارت درآورد.<sup>۲</sup>

### عبادت ادریس علیه السلام

ابن عباس می‌گوید: «حضرت ادریس علیه السلام روزها را به روزه‌داری و شبها را به عبادت مشغول بود. کردار نیک وی هر روز به آسمان می‌رفت؛ به گونه‌ای که با اعمال صالح همه مردم زمانش برابر بود.<sup>۳</sup> حضرت ادریس علیه السلام هنگام دوختن لباس به حمد و تسبیح، تمجید، تکبیر و توحید خداوند لب می‌گشود.»<sup>۴</sup>

### فرزندان آن حضرت

طبق کتب تاریخی، ادریس پیامبر علیه السلام فرزندان متعددی داشته که فقط نام متوشلخ<sup>۵</sup> (متوشلح)<sup>۶</sup>، ناخورا<sup>۷</sup> و حرقاسیل<sup>۸</sup> در کتابها ثبت شده است.

### زبان ادریس علیه السلام

ابن عباس زبان ادریس را سریانی (یونانی) می‌داند.<sup>۹</sup>

### چندمین پیامبر؟

مشهور این است که حضرت

۱. تاریخ الامم و الملوک، طبری، ج ۱، ص ۱۰۶.
۲. الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۶۶؛ تاریخ الامم و الملوک، ج ۱، ص ۱۰۶.
۳. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۷۸.
۴. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج ۳، ص ۳۸.
۵. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۰؛ السیره النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۳؛ الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۶۶.
۶. بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۲۸۰.
۷. همان، ج ۳۶، ص ۳۳۴.
۸. همان، ج ۲۳، ص ۶۲.
۹. همان، ج ۱۱، ص ۴۳.
۱۰. همان، ص ۲۷۰؛ قصص الانبیاء، ابن کثیر، ص ۶۷؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۱.
۱۱. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۴۰؛ السیره النبویه، ج ۱، ص ۳.
۱۲. تفسیر قرطبی، ج ۷، ص ۲۳۲. (شاید منظور قرطبی این باشد که نوح علیه السلام برای تمام اهل زمین مبعوث شده بود، اما ادریس و شیث علیهم السلام برای قوم خود مبعوث شده بودند).
۱۳. اشاره به قول ابن عباس و ابن مسعود است که ادریس علیه السلام را یکی از انبیاء بنی اسرائیل شمرده‌اند. ر.ک: عمده القاری فی شرح صحیح البخاری، احمد عینی، ج ۱۵، ص ۲۲۲.

می‌دانند.<sup>۱</sup>

### الیاس و ادريس عليه السلام

در نقلی آمده که الیاس عليه السلام همان ادريس عليه السلام بوده است؛<sup>۲</sup> ولی طبق کتب معتبر تاریخی<sup>۳</sup> الیاس از فرزندان نوح عليه السلام و ادريس جد پدری نوح عليه السلام است و این دو قابل جمع نیستند.

### سیمای پیامبر اسلام و علی عليه السلام در

#### مصحف ادريس

در مصحف ادريس عليه السلام، پیامبر اسلام به نام «بهیائل» خوانده شده<sup>۴</sup> و چنین آمده است: «هنگامی که خداوند ابلیس را تاروز موعود مهلت داد، به او فرمود: برای آن روز بندگان را برگزیده و قلبهایشان را امتحان کرده‌ام. آنان دوستان من هستند. برای آنها پیامبر مصطفی و امینی چون مرتضی (علی) انتخاب کرده‌ام. پس مصطفی را پیامبر، و آنها (امت) را یاور و انصار قرار دادم. آنها امتی هستند که من برای پیامبرم مصطفی و امینم مرتضی اختیار کرده‌ام.»<sup>۵</sup>

نکته به دست آمده این است که حضرت ادريس عليه السلام علاوه بر بشارت ظهور پیامبر اسلام، جانشینی امام

علی عليه السلام را نیز تصریح می‌کند.

### ادريس عليه السلام و ستمگران

پادشاه ستمگری بر قوم ادريس عليه السلام حکومت می‌کرد. روزی پادشاه برای تفریح از شهر خارج شد و در راه به چمنزاری رسید. از اطرافیان خود پرسید: این چمنزار از آن کیست؟ گفتند: از آن مردی خدا پرست است. شاه آن مرد بینوارا احضار کرد و از او خواست زمین را به دربار واگذار کند. وی گفت: خانواده‌ام به این زمین از تو نیازمندترند. صاحب زمین در برابر اصرارهای شاه حاضر به فروش زمین نشد. شاه با عصبانیت بازگشت و به فکر فرو رفت. همسر ناپاک شاه پس از اطلاع از جریان، دستور داد عده‌ای نزد شاه گواهی دروغ به ارتداد مالک زمین دهند. به گواهی آنان مالک زمین کشته شد و زمین به تصرف شاه درآمد.

۱. قصص الانبیاء، ابن کثیر، ص ۶۷.

۲. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۳۱.

۳. الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۶۶؛ مروج

الذهب، ج ۱، ص ۲۵؛ تاریخ الامم و الملوک، ج ۱،

ص ۱۰۶.

۴. همان، ج ۱۶، ص ۱۰۴.

۵. بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۲۴۰.

توبه آنان را پذیرفت و ادریس علیه السلام را به شهر بازگرداند و باران رحمت را بر آنان فرو فرستاد.<sup>۱</sup>

#### رسالت ادریس علیه السلام

بعد از جریان پادشاه و توبه مردم، حضرت ادریس علیه السلام به دستور خداوند مأمور هدایت قوم بت پرست «بنی قایل» شد. ادریس علیه السلام سه روز هفته را برای ارشاد بنی قایل و پیروانش قرار داد و آنها را از مخالفت با آیین آدم و شیث علیهم السلام باز داشت تا اینکه به دستور خداوند به جنگ آنها شتافت و خود را به لقب «هرمس الهرامسه» آراست.<sup>۲</sup>

#### حاکمیت ادریس علیه السلام

ادریس علیه السلام به مصر آمد و در آنجا سکونت گزید، مردم را به اطاعت از حق فرا خواند و امر به معروف و نهی از منکر کرد. او به مردم سیاست، آداب تمدن، قوانین مملکتی و طرز اداره

در برابر این جنایت بزرگ، ادریس علیه السلام به امر خداوند نزد پادشاه رفت و به وی هشدار داد که حکومت تو ویران و پیکر همسرت طعمه سگان خواهد شد. شاه، ادریس علیه السلام را به مرگ تهدید کرد و او را از دربار بیرون انداخت. به دستور همسر پادشاه، گروهی به تعقیب ادریس علیه السلام پرداختند. ادریس علیه السلام به فرمان خداوند از شهر خارج شد و خود را پنهان ساخت و فرمود: «خداوندا! باران رحمتت را بر این شهر نازل مفرما تا من درخواست کنم.»

بعد از آن او به غاری پناه برد و با حمایت فرشته ای که همه شب غذایش را می آورد، به زندگی ادامه داد. پروردگار شاه را سرنگون و شهر را ویران و همسرش را طعمه سگان ساخت. پس از گذشت بیست سال از نفرین ادریس علیه السلام حتی یک قطره باران نیز بر آن سرزمین نبارید. مردم گفتند: سختی و بدبختی ما به سبب نفرین ادریس علیه السلام است. به درگاه خدا رفته، از گناهان خود اظهار پشیمانی کردند و خاک ندامت بر سر ریختند. خداوند

۱. بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۷۰؛ کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۲۷. شایان ذکر است که عذاب فراگیر خداوند بر قوم ادریس علیه السلام، به خاطر سکوت مردم در مقابل ظلم و ستم پادشاه بوده است.

۲. تاریخ الامم و الملوک، ج ۱، ص ۱۰۷؛ احسن القصص، ص ۲۳.

شهرها را آموخت. در اثر تعلیمات آن حضرت، ۱۸۸ شهر روی زمین بنا گردید که کوچک‌ترین آنها «رها یا اورفا»<sup>۱</sup> بود.<sup>۲</sup>

آیینها و قوانینی متناسب با سرزمینهای مختلف وضع و از نظر اداری، سرزمین تحت حکومت را به چهار بخش تقسیم کرد و برای هر قسمت حاکمی قرار داد تا به امور سیاسی و اداری مردم پردازند.

علامه نام این چهار تن را چنین ذکر می‌کند: «پادشاه اول، ایلاوس؛ دوم، اوس؛ سوم، سقلبیوس؛ و چهارم از آنها اوس آمون».<sup>۳</sup>

### مراد از «مکاناً علیا»

پیرامون آیه ۵۷ از سوره مریم که در ابتدای مقاله بیان شد، تفاسیر گوناگونی مطرح شده که در یک نگاه کلی، اقوال به دو صورت تقسیم می‌شود:

۱. مراد از آیه، رفعت مکانی است؛ به این معنا که خداوند ایشان را به آسمانها برد و به خاطر رفتن به آسمان، رفعت مکانی پیدا کرد. گروهی این نظر (عروج به آسمان) را پذیرفته و در ذیل

این آیه، عروج ادریس علیه السلام را مطرح کرده‌اند، مانند: انس، ابو سعید خدری، کعب، مجاهد،<sup>۴</sup> ابن عربی<sup>۵</sup> و فخر رازی.<sup>۶</sup>

۲. بعضی دیگر بر این باورند که منظور از آیه، رفعت مکانی و برتری معنوی است که در این قول دو نظر است: بعضی این برتری معنوی را به خاطر شرف و اعطاء نبوت به وی می‌دانند، مانند: علامه طبرسی،<sup>۷</sup> شیخ طوسی،<sup>۸</sup> علامه طباطبایی،<sup>۹</sup> و بعضی از معاصرین برتری معنوی ادریس علیه السلام را به خاطر توحیدش دانسته و به آیه جهلم سوره توبه: «جَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ

۱. رها یا اورفا نام شهری است در ترکیه که سابقه تاریخی آن به قرن‌ها قبل از میلاد می‌رسد.

۲. تاریخ انبیاء، رسولی محلاتی، ج ۱، ص ۳۵.

۳. المیزان، ج ۱۴، ص ۴۵.

۴. مجمع البیان، ج ۳، ص ۵۱۹.

۵. تفسیر القرآن الکریم، ابن عربی، ج ۲، ص ۲۰.

۶. تفسیر الکبیر، ج ۲۱، ص ۲۳۳.

۷. جوامع الجامع، علامه طبرسی، ج ۲، ص ۴۰۰.

۸. التبیان، ج ۷، ص ۱۳۴.

۹. المیزان، ج ۱۴، ص ۶۶؛ تفسیر شتر (چاپ اسوه) ص ۴۶۳؛ تفسیر المعین، مرتضی کاشانی، ج ۲، ص ۸۰۰.

شب معراج گذرشان به ادریس افتاد، ادریس به پیامبر گفت: مرحبا بر پیامبر صالح و برادر صالح! پیامبر از جبرئیل پرسید: این کیست؟ جبرئیل گفت: ادریس پیامبر است.<sup>۶</sup>

اما گروهی از مفسران عروج ادریس علیه السلام به آسمان را قبول ندارند و می‌گویند: «داستان رفتن ادریس علیه السلام به آسمان از اسرائیلیات است.»<sup>۷</sup>

#### سرانجام ادریس علیه السلام

عمر شریف وی سیصد سال و اندی بود. در این مدت سی صحیفه بر او نازل شد.<sup>۸</sup> پیرامون سرانجام ایشان

كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا<sup>۱</sup>  
استدلال کرده‌اند.<sup>۲</sup>

#### عروج ادریس علیه السلام به آسمان

برخی روایات حاکی از عروج حضرت ادریس علیه السلام به آسمان است؛ گرچه در این مسئله اختلاف نظر است و نظر قطعی وجود ندارد. به برخی روایات در این زمینه توجه کنید:

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره پنج شبه پرسیدند، فرمود: «پنجمین روز دنیاست و پنج شبه روز انبیا است؛ چرا که در آن روز ابلیس لعن شده و ادریس به آسمان رفته است.»<sup>۳</sup>

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«وقتی که به آسمان چهارم رسیدم، در آنجا مردی را دیدم، از جبرئیل پرسیدم: این کیست؟ جبرئیل گفت: همان ادریس است که خداوند مقامش را عالی و بلند قرار داد. پس به او سلام کردم و او هم به من سلام کرد.»<sup>۴</sup>

در نقل دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده که

آن حضرت فرمود: «وقتی به معراج رفتم، ادریس را در آسمان چهارم ملاقات کردم.»<sup>۵</sup> و در روایت دیگر آمده: «هنگامی که جبرئیل و پیامبر در

۱. «و گفتار کافران را پایین قرار داد و سخن خدا

بالا [و پیروز] است.»

۲. تفسیر موضوعی قرآن کریم (سیره پیامبران)، آیه الله جوادی، ج ۶، ص ۲۳۳.

۳. تفسیر کنز الدقائق، محمد مشهدی، ج ۶، ص ۲۱۰؛ ر.ک: بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۲۸۰.

۴. تفسیر کنز الدقائق، ج ۶، ص ۲۱۰.

۵. جامع الصحیح (سنن ترمذی)، ج ۵، ص ۳۱۶.

۶. قصص الانبیاء، ابن کثیر، ص ۶۹؛ احسن القصص، ص ۲۴.

۷. قصص الانبیاء، ابن کثیر، ص ۶۹؛ فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، ابن حجر عسقلانی، ج ۶، ص ۴۳۳.

۸. بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۷۱ و ۲۸۰.



«ناخورا» را جانشین آن حضرت به شمار می آورند.<sup>۵</sup>

### گلوآزه های اخلاق

بعضی از کلمات حکمت آمیز آن حضرت چنین است:

۱. بهترین شکرانه نعمتهای خداوند، احسان و نیکی به بندگان اوست.
۲. به دروغ سوگند یاد نکنید و دروغ گویان را سوگند ندهید.
۳. از کسبهای پست اجتناب کنید.
۴. در پیشگاه خداوند با نیتهای خالص قدم بردارید.<sup>۶</sup>

اختلاف است؛ عده ای بر این باورند که ایشان زنده است و در آسمانها به حیات خویش ادامه می دهد<sup>۱</sup> و عده ای دیگر معتقدند که ادریس علیه السلام در آسمانها قبض روح گردیده است.<sup>۲</sup> با توجه به سست بودن روایات زنده بودن ادریس علیه السلام در آسمانها و اینکه روند طبیعی زندگی انسان به مرگ منتهی می شود، زنده بودن ادریس علیه السلام امری خلاف اصل است و اثبات آن نیازمند دلائل محکم می باشد و با توجه به روایات قبض روح شدن ادریس علیه السلام در آسمانها، جاودانه بودن عمر وی بعید می باشد.

### جانشین ادریس علیه السلام

در روایتی آمده است: «هنگامی که ادریس علیه السلام به پایان عمر خود رسید، خداوند به او وحی کرد که من می خواهم تو را به آسمانها ببرم و در آنجا قبض روح کنم. پس فرزندت را جانشین خود قرار ده! حرقاسیل نیز به سفارش پدر عمل کرد.»

گروهی<sup>۳</sup> فرزند دیگرش «متوشلخ» (متوشلخ) را جانشین ادریس علیه السلام می دانند.<sup>۴</sup> جمعی نیز

۱. تفسیر جامع البیان، ج ۱۶، ص ۷۲؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۵۱۹؛ تفسیر ابن عربی، ج ۲، ص ۲۰؛ اطبیب القرآن فی تفسیر القرآن، عبدالحسین خطیب، ج ۸، ص ۴۵؛ کشف، زمخشری، ج ۳، ص ۲۳؛ قصص الانبیاء، ابن کثیر، ص ۶۹.
۲. تفسیر المعین، ج ۲، ص ۸۰۰؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۵۱۹؛ جامع البیان، ج ۱۶، ص ۷۲؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۱۲۶؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۷۷.
۳. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۶۲.
۴. السیرة النبویة، ج ۱، ص ۴؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۰؛ الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۶۶.
۵. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۳۴.
۶. سعد السعود، ابن طاووس، ص ۴۶.